



## The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic Law The ۱۶ rd.

Year/NO: ۲ Summer ۲۰۲۳

### The role of experts in the field of Islamic law in the realization of administrative justice

Habibi Mohammad <sup>۱</sup> Atryan Faramarz <sup>۲</sup>

Received date: ۲۰۲۳/۰۳/۱۵

Acceptance date: ۲۰۲۳/۰۸/۰۸

#### Abstract

In Islamic law, the opinion of experts is widely considered and in various chapters of jurisprudence, the opinion of experts is widely cited and numerous examples of specialized issues in which it is necessary to refer to experts have been presented. According to the evolution, development and progress achieved in this regard, the proof of some issues has become very complicated and their diagnosis requires special expertise which by providing technical and specialized information, the truth of the matter becomes clear from this. It is very important to refer to experts in order to conduct research and discover the truth in many topics including criminal, legal, family and custom affairs, etc. This research aims to investigate the role of Islamic legal experts in realizing administrative justice. The findings of the research show that based on jurisprudence texts in the Civil Procedure Law and other related laws, referring to an expert and choosing an expert is subject to special systems in criminal matters, as well as Articles ۴۴۸, ۴۵۱, ۴۵۲, ۴۶۱, ۴۶۳, ۴۶۹ of the Islamic Penal Code. Referring to experts according to articles ۸۳, ۸۴, ۸۵, ۸۷, ۸۸ of the procedure of public and revolutionary courts in criminal matters by inviting experts to express their opinions from a scientific and technical point of views and special information and even to attract them in The crimes of disrupting security and public order in case of non-attendance without a valid excuse have been mentioned.

**Keywords:** formal expertise, Islamic jurisprudence, Islamic law, administrative justice

<sup>۱</sup>. Ph.D. student of public Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. Daftar<sup>۲</sup>habibi@yahoo.com

<sup>۲</sup>. Assistant Professor, Department of Law, Najaf Abad Branch, Islamic Azad University, Najaf Abad, Iran. (corresponding author Atrian.f.۱۰۰۱@gmail.com)

## نقش کارشناسان حیطة حقوق اسلامى در تحقق عدالت ادارى

محمد حبيبي<sup>۱</sup> فرامرز عطريان<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷

## چکیده

در حقوق اسلام نظر اهل خبره به طور وسیع مورد توجه قرار گرفته و در ابواب مختلف فقه به نحو گسترده، به نظر اهل خبره استناد شده و مصادیق متعددی از موضوعات تخصصی که در آنها رجوع به اهل خبره ضرورت دارد مطرح شده است. با توجه به تحول، توسعه و پیشرفت‌های حاصله در این دوران اثبات برخی از موضوعات از پیچیدگی خاصی برخوردار شده و تشخیص آنها نیازمند خبرگی و تخصص خاص است که با ارائه معلومات فنی و تخصصی، حقیقت موضوع روشن می‌شود از این رو رجوع به کارشناسان و خبرگان جهت انجام تحقیقات و کشف واقعیت در بسیاری از مباحث اعم از کیفری، حقوقی، خانوادگی و امور حسبی و... از اهمیت بالایی برخوردار است. این تحقیق با هدف بررسی نقش کارشناسان حقوقی اسلامى در تحقق عدالت ادارى می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد براساس متون فقهی در قانون آیین دادرسی مدنی و سایر قوانین مربوطه، ارجاع به کارشناس و انتخاب کارشناس، تابع نظامات خاص است در امور کیفری نیز مواد ۴۴۸، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۶۹، ۴۶۳، ۴۶۱ قانون مجازات اسلامى رجوع به کارشناس و اهل خبره را تجویز و مطابق مواد ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۷، ۸۸ آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری به دعوت از اهل خبره به منظور اظهارنظر از جهت علمی و فنی و معلومات مخصوصی و حتی جلب آنان در جرایم منحل امنیت و خلاف نظم عمومی در صورت عدم حضور بدون عذر موجه اشاره شده است.

کلیدواژگان: کارشناسی رسمی، فقه اسلامى، حقوقى اسلامى، عدالت ادارى

<sup>۱</sup>. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

<sup>۲</sup>. استادیار گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسؤول).

## مقدمه

اصلاح فرآیندهای دادرسی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، یکی از ضروریات بهبود سیستم قضایی می‌باشد. به همین منظور قوه قضائیه همواره تلاش داشته است تا امکان حداکثر بازدهی در رسیدگی به پرونده‌ها ایجاد گردد؛ تا با کوتاه شدن زمان دادرسی و تسریع در تصمیم‌گیری‌ها، اطاله دادرسی ناشی از معیوب بودن فرآیندهای دادرسی نیز از بین برود (رفیعی طباطبایی، ۱۳۹۸، ص ۲۵). مفهوم دادرسی یکی از بنیان‌های حاکمیت قانون است. منشا مشترک فلسفی و بنابراین وابستگی متقابل حاکمیت قانون در حق بر دادرسی منصفانه بسیار آشکار است (روناک، ۱۳۸۸، ص ۳۰۵). جایگاه و اعتبار مرجع قضائی در تضمین مفاد آن و مکانیسم رسیدگی در آن، تعداد و میزان تاثیر رویه قضائی دیوان عدالت اداری در نظام حقوقی است (یاوری، ۱۳۹۴، ص ۲۲۲).

## ۲- موضوع و ضرورت مسأله

یکی از وسایلی که برای اثبات دعوا به کار گرفته می‌شود، رجوع به کارشناس است و دادرس بدون رجوع به کارشناس در دعاوی پیچیده که واجد جنبه‌های فنی و تخصصی است، نمی‌تواند به طور کامل و صحیح جنبه‌های موضوعی اختلاف را درک نماید و ناگزیر است رأی خود را به نظر کارشناسی که دارای تخصص در علم یا فنی خاص و تجربه و مهارت و توانایی لازم برای روشن کردن عناصر موضوعی مربوط به اختلاف است، بیاورد. کارشناس در امر قضا دخالت ندارد و لازم نیست به اصول دادرسی و علم حقوق وارد باشد. در حقوق اسلامی کشور، کارشناسی به‌عنوان یکی از ادله اثبات دعوی به رسمیت شناخته شده است. در قانون آیین دادرسی مدنی و سایر قوانین دیگر ارجاع به کارشناس تابع نظامات خاص مطرح شده است و در عمل نیز، صدور احکام در بسیاری از پرونده‌های مطرح شده در دادگستری به نظر کارشناس استناد شده است. به نظر می‌رسد که در شرایط فعلی و تخصصی شدن امور و تفکیک تخصص و همچنین با توجه به پیچیده شدن پرونده‌های دادگستری (مخصوصاً در زمینه‌های صنعتی، تصادفات، پزشکی و غیره که قاضی هیچ تخصصی در این زمینه ندارد) چاره‌ای جز استناد به نظریه کارشناس متخصص نداشته باشد مگر اینکه با ایراد نظر و دلایل موجه، عدم مطابقت نظریه کارشناسی با اوضاع و احوال محقق و معلوم گردد.

## پرسش تحقیق

✓ سوال اصلی:

- ظرفیت‌های نظام حقوقی ایران در تحقق عدالت اداری توسط کارشناسان از حقوق اسلامی چگونه است؟
- ✓ سوال های فرعی:
- آیا درخواست کارشناس رسمی از کانون کارشناسان رسمی دادگستری بدون دستور دادگاه قضائی و دادگاه اداری مورد وثوق می‌باشد؟
- آیا در پرونده‌های مطروحه در دیوان عدالت اداری از نظریات کارشناسان رسمی دادگستری استفاده می‌گردد؟
- آیا دادرس دیوان عدالت اداری مکلف به تبعیت از نظر کارشناس (مشاور) می‌باشد؟

## پیشینه‌ی پژوهشی

ارجاع به کارشناس در دعاوی از سال ۱۳۱۵ که در ماده ۴ اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات عدلیه و استخدام قضات برای تنظیم امور مترجمین و سایر اهل خبره پیش‌بینی شد و متعاقب آن در سال ۱۳۱۶ قانون ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی باب جدیدی را در وضع مقررات کارشناسی گشود، در نهایت در سال ۱۳۱۷ قانون راجع به کارشناسان رسمی دادگستری تصویب و لازم‌الاجرا شد و در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۵ تکمیل شد و در سال‌های اخیر نیز قوانین مرتبط مستقیم و غیرمستقیم دیگری به تصویب رسید که خود حکایت از اهمیت این نهاد در بررسی‌های قضایی دارد. لذا با افزایش تعداد کارشناسان در رشته‌های مختلف

به علت پیشرفت سریع علوم و نیاز مبرم در موارد مختلف به طور مداوم نیازمند خدمات آنان هستیم، با این وصف نمی‌توان به طور حصری اعلام کرد که در چه مواردی قرار رجوع به کارشناسی صادر می‌شود. در اینجا به چند نمونه از مطالعاتی در این موضوع صورت گرفته می‌پردازد.

جعفری و خلیلی (۱۳۹۹) تحت عنوان «جایگاه عدالت قضایی در تحقق دادرسی عادلانه در حقوق ایران» به تأمین بی طرفی و تضمین رعایت حقوق طرفین در جریان دادرسی از مواردی است که تحقق آن به میزان عدالت جریان یافته در رگه‌های سازمان‌های قضایی وابسته است. به کارگیری معیارهای دادرسی منصفانه در جریان رسیدگی و حفظ تعادل در سیستم قضایی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد با توجه به اهمیت بی‌چون و چرای عدالت قضایی در تحقق دادرسی عادلانه و با ذکر این نکته که در گستره دادرسی و صدور حکم، عادل و منصف بودن مقام قضایی و مرجع رسیدگی از مهمترین عوامل موثر در جریان دادرسی عادلانه هستند، نقش آنان به طور عام در مفهوم عدالت قضایی در تحقق دادرسی عادلانه بررسی می‌گردد.

الله یاری نیک (۱۳۹۹) تحت عنوان «تأثیر دفاتر خدمات الکترونیک قضایی بر کاهش اطاله دادرسی؛ مطالعه موردی در کلان شهر تهران» نشان می‌دهد که راه‌اندازی و توسعه دفاتر خدمات الکترونیک قضایی با هدف دسترسی آسان و سریع به دستگاه قضایی صورت پذیرفته است. در این پژوهش، از نظرات تخصصی ۱۶۵ نفر از وکلاء، مدیران دفاتر، مدیران و قضات در شهر تهران، که با عملکرد این دفاتر مرتبط هستند. یافته‌های تحقیق نشان داده این دفاتر به طور متوسط در حد ۳/۹ واحد (از ۴ واحد) در کاهش میانگین زمان رسیدگی به پرونده‌ها و به ترتیب ۳ و ۲/۴ واحد در «ارتقای راندمان کاری قضات» و «کاهش تعداد جلسات رسیدگی» مؤثر تشخیص داده شده‌اند و علاوه بر تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها، بهبود عدالت الکترونیکی، تسریع در ارائه و پیگیری دادخواست، شکوائیه، اظهارنامه، ارائه و تبادل لوایح قضایی و مستندات پرونده و حذف محدودیت‌های جغرافیایی، مؤثر واقع شوند و به نحو معنی‌داری موجب کاهش اطاله دادرسی گردیده‌اند.

همتی (۱۳۹۵) تحت عنوان «تحلیل قانون دیوان عدالت اداری از منظر استانداردهای خاص دادرسی منصفانه اداری؛ با نگاهی به رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر»، به این مسئله اشاره می‌کند که دادرسی اداری یکی از حوزه‌های مهم و جدید دادرسی است. استانداردهای دادرسی منصفانه را به دو دسته تقسیم می‌کنند: استانداردهای عام و فراگیر دادرسی منصفانه و استانداردهای خاص دادرسی منصفانه که ناظر بر مراحل سه‌گانه دادرسی دعاوی اداری (طرح دعوی، رسیدگی به دعوا و اتخاذ تصمیم راجع به دعوی) است. در این نوشتار، قانون دیوان عدالت اداری به عنوان عمل تقنینی از منظر اصول و ضوابط خاص دادرسی منصفانه که حاکم بر مراحل سه‌گانه دادرسی اداری است بررسی و تحلیل آسیب شناسانه قرار می‌گیرد تا مشخص شود در فرایند قانون‌گذاری که بر مبنای ذیل اصل ۱۷۳ قانون اساسی صورت می‌گیرد، تا چه حد این استانداردها تأمین شده است.

یوسفی صادقلو (۱۳۹۴) در عنوان «کارشناسی و خبره‌گی ماهیت و کارآیی» بررسی کرده است که یک نظام حقوقی با عملکرد مناسب و خوب یک از عوامل کلیدی برای توسعه عدالت اجتماعی و اقتصادی خواهد بود. تحول عظیم اقتصادی و پیشرفت‌های کنونی در جوامع، سازمان‌های دولتی و غیر دولتی و... منجر به افزایش تعداد پرونده‌های قضایی شده که رسیدگی به آنها در توان قاضی به تنهایی نمی‌باشد. ظرفیت سیستم قضایی ایران در دهه‌های گذشته به استانداردهای جهانی نزدیک شده اما هنوز نیاز به برخی پیشرفته‌ها احساس می‌شود. یکی از مواردی که توجه چندانی به کاربرد مفید آن نشده نقش فرهنگ استفاده از کارشناسان و متخصصان حرف‌متنوعی است که در کشورهای توسعه یافته مانند انگلستان، آکراین، فرانسه و... و حتی کمتر توسعه یافته نظیر ترکیه به استفاده روزافزون آن در دستگاه قضایی خود پی برده‌اند و در تلاش هستند از این ظرفیت تحت عنوان پروژه‌های بهبود استفاده از سیستم کارشناسان در دادگاه‌ها به خوبی بهره ببرند. در کشور ما نیز بر اساس متون فقهی این تاسیس از دیرباز مورد استفاده بوده اما متاسفانه علی‌رغم چالش‌های فراوان دستگاه قضایی کشور با پرونده‌های بعضاً بدون پیچیدگی به خوبی از پتانسیل آن استفاده نمی‌شود. در این تحقیق سعی شده با بیانی از مبانی فقهی و حقوقی مباحث کارشناسی و اهمیت استفاده از متخصص و خبره اشاراتی شود و سپس

تضادهای کاربردی کارشناسان رسمی و غیررسمی که از آن به خبره نیز یاد می‌شود و ممکن است افراد و سازمان‌ها برای ادله‌های اثباتی خود متوسل شوند بحث خواهد شد. در نهایت نیز با تحلیل به ارجحیت استفاده از کارشناسان رسمی بر خبرگاه محلی و کاربرد آن در بهبود فرایند قضایی که منجر به کاهش اطاله دادرسی‌ها می‌شود توضیح داده خواهد شد.

در پژوهش دیگری که حسینی و قانع (۱۳۹۴) تحت عنوان «تاثیر عدم تمرکز تشکیلات قضایی دیوان عدالت اداری در تحقق عدالت و پیشگیری از فساد اداری» انجام داده است، به کاهش ضریب خطای انسانی در صدور رای، پیشگیری از فساد اداری و ارتقای قانون مداری در نظام اداری کشور، ارتقای کارایی و اثربخشی نظارت قضایی، کاهش هزینه‌ها و در نتیجه تحقق عدالت اداری را به نحو موثرتری بدنبال دارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، عدم تمرکز تشکیلات قضایی دیوان عدالت اداری در تحقق عدالت و پیشگیری از فساد اداری تاثیر می‌گذارد. با توجه به تمرکز تشکیلات قضایی دیوان عدالت اداری نظر به اهمیت تحقق عدالت اداری در جمهوری اسلامی ایران و مشکلاتی که قضات، کارمندان، مراجعین به این مرجع از منظر تمرکز تشکیلات قضایی در کلان شهر تهران مطرح می‌نمایند.

### مفاهیم تحقیق

#### مفهوم کارشناس رسمی دادگستری

یکی از ادله اثبات دعوا ارجاع موضوع به کارشناس رسمی دادگستری است که یا به درخواست خود قاضی و یا به درخواست خود طرفین دعوا صورت می‌گیرد. قاضی پرونده برای تصمیم‌گیری و صدور رای شایسته باید در مواردی که موضوع امری تخصصی و فنی است پرونده را به کارشناس رسمی دادگستری ارجاع دهد مانند تعیین میزان خسارات وارده به ملک یا تعیین گرامات وارده به خواهان. قاضی با صدور قرار کارشناسی موارد لازم را به کارشناس ارجاع می‌دهد. بر اساس ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی موضوعی که در آن کارشناس رسمی لازم باشد از سوی دادگاه قرار کارشناس تعیین می‌گردد. بنابراین، قاضی در همه موارد و موضوعات که اطلاعات تخصصی ندارد باید قرار کارشناسی صادر کند. کارشناس رسمی دادگستری اولین بار به موجب مصوبه ۱۳۱۷/۱۱/۲۳ مجلس شورای ملی در آئین دادرسی ایران رسمیت یافته است. به موجب بند یک این قانون «در حوزه‌هایی که وزارت دادگستری اعلام می‌کند. مقامات قضائی به استناد نظریه کارشناس رسمی دادگستری در حوزه‌های تخصصی اقدام به صدور حکم می‌نمایند، به همین سبب انتظار می‌رود نظریه کارشناس رسمی دادگستری جامع، کامل، صحیح، مستدل و مستند باشد تا بر اساس آن بتوان حکم قضایی عادلانه‌ای صادر گردد. کارشناس بایستی نقش همکار و بازوئی قوی و مطمئن در حوزه تخصصی برای قاضی باشد.

#### مفهوم دیوان عدالت اداری

به طور کلی چنانچه حقوق مردم توسط نهادهای دولتی و عمومی به هر دلیلی رعایت نشود مرجعی جهت رسیدگی به این موارد در نظر گرفته شده است، این مرجع دیوان عدالت اداری نام دارد. در حقیقت دیوان عدالت اداری مهم‌ترین مرجع رسیدگی به شکایت‌های مردم از دستگاه‌های اداری و اجرایی در کشور محسوب می‌شود که بر اساس اصل ۱۷۳ قانون اساسی زیر نظر رئیس قوه قضائیه اداره می‌شود و متشکل از شعب بدوی، تجدید نظر، هیات عمومی و هیات‌های تخصصی است. به موجب ماده ۱۹، «رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از: آئین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها از حیث مخالفت مدلول آن‌ها با قانون و احقاق حقوق اشخاص»، «صدور رأی وحدت رویه در مورد آراء متناقض صادره از شعب دیوان» و «صدور رأی وحدت رویه در صورتی که نسبت به موضوع واحد، آراء مشابه متعدد صادر شده باشد»، در هیأت عمومی دیوان صورت می‌گیرد. با این حال لازم به ذکر است «رسیدگی به تصمیمات قضائی قوه قضائیه و مصوبات و تصمیمات شورای نگهبان قانون

اساسی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان، شورای عالی امنیت ملی و شورای عالی انقلاب فرهنگی از شمول این ماده خارج است».

### مفهوم نظام حقوقی ایران<sup>۱</sup>

به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی، نظام حقوقی ایران دستخوش تحولی عمیق و بنیادین در مبانی، قواعد و الزامات حقوقی شد و اصلاح قوانین با ابتدای بر مبنای و حیانی دین مبین اسلام در سرلوحه سیاست تقنینی کشور قرار گرفت. پس از گذشت حدود چهل سال از عمر انقلاب اسلامی این سوال مطرح می‌گردد که نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران از چه ویژگی‌هایی برخوردار است و در مقایسه با سایر نظام‌های حقوقی چه جایگاهی دارد؟ نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران ضمن تلفیق سیستم قانون مداری و تصویب قوانین مستحدثه با آموزه‌های اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، به عنوان الگویی جامع و متعالی متجلی شده که در تعامل با رهیافت‌های جهانی، رویکرد نوینی را اتخاذ نموده است. نظام‌های حقوقی غربی با تأسی از دو جهت‌گیری کلان «حقوق طبیعی» و «مکتب اثبات‌گرایی» نیروهای سازنده حقوق را در شناخت‌های عقلی، عدالت‌گرایی محض، غایات سیاسی و اقتصادی، اراده عمومی و تجربه‌گرایی، منحصر دانسته و بدین سبب دچار تقلیل‌گرایی و نارسایی شده‌اند. نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از نقاط قوت نظام‌های حقوقی دیگر و مرتفع نمودن نارسائی‌های نظام‌های مزبور، به یک الگوی متعالی و کامل مبدل شده که ضمن توجه به غایات اجتماعی و اهداف مادی، بر مبانی دینی و ارزش‌های الهی و معنوی قوام یافته است. لذا نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران را در مقایسه با پارادایم‌های جهانی می‌توان یک الگوی نوین، جامع و متعالی قلمداد کرد (نعمتی، ۱۳۹۷، ص ۶۲).

### نقش کارشناس رسمی در دیوان عدالت اداری

یکی از وسایلی که برای اثبات دعوا به کار گرفته می‌شود، رجوع به کارشناس است و دادرسی بدون رجوع به کارشناس در دعاوی پیچیده که واجد جنبه‌های فنی و تخصصی است، نمی‌تواند به طور کامل و صحیح جنبه‌های موضوعی اختلاف را درک نماید و ناگزیر است رأی خود را به نظر کارشناسی که دارای تخصص در علم یا فنی خاص و تجربه و مهارت و توانایی لازم برای روشن کردن عناصر موضوعی مربوط به اختلاف است، بیاورد. کارشناس در امر قضا دخالت ندارد و لازم نیست به اصول دادرسی و علم حقوق وارد باشد. وی صرفاً نظر کارشناسی، علمی و فنی می‌دهد و قاضی از این نظر استفاده می‌کند.

در دیوان عدالت اداری کارشناس عنوان مشاور را دارد و چنانچه دادرسی برای روشن شدن زوایای موضوعی که دانش فنی را ایجاب می‌نماید، به نظر وی نیاز داشته باشد، درخواست ارجاع به کارشناسی را می‌نماید. به موجب ماده ۹ قانون دیوان عدالت اداری تعدادی کارشناس از رشته‌های مورد نیاز دیوان که حداقل دارای ده سال سابقه کار اداری و مدرک کارشناسی یا بالاتر باشند، به عنوان مشاور دیوان تعیین می‌شوند. در صورت نیاز به مشاوره و کارشناسی به درخواست شعبه، پرونده به مشاور یا مشاوران ارجاع می‌شود و شعبه پس از ملاحظه نظر مزبور، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

تبصره ۱- مشاوران موضوع این ماده لازم است علاوه بر شرط علمی و سابقه کار مندرج در این ماده دارای شرایط مذکور در بندهای ۱ تا ۴ ماده واحده قانون شرایط انتخاب قضات مصوب ۱۳۶۱ نیز باشند.

تبصره ۲- مشاوران مزبور پس از احراز صلاحیت با حکم رئیس قوه قضاییه به صورت استخدام رسمی یا قراردادی منصوب می‌شوند و حقوق و مزایای آنان برابر با حقوق و مزایای دادرسان علی‌البدل دیوان خواهد بود.

مفهوم اهل خیره یا کارشناس، کارشناسی

الف. کارشناس:

کارشناس در لغت به معنای دانای کار، دانشمند، بخرد، خبره، متخصص و در اصطلاح به شخصی گفته می‌شود که دارای تخصصی در علم یا فنی باشد (مردانی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۳). این اصطلاح را فرهنگستان به جای اصطلاح «خبرویت» متداول در دادگستری پذیرفته است (معین، ۱۳۶۴، ص ۲۸۰۹).

کارشناس مترادف «اهل خبره» و «اهل معرفه» شناخته شده و اهل خبره کسانی معرفی شده‌اند که در «موضوع عادی یا معنوی معین دارای بصیرت و اطلاعات خاص که از ممارست متمادی آنها حاصل شده است، باشند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۹۷). همچنین گفته شده «کارشناس» عبارت است از «شخصی که به مناسبت علم یا شغل یا کسب، دارای معلومات و تشخیص الزم باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۵۶۳).

### ب) کارشناسی:

کارشناسی در لغت به معنای شناسایی کار معرفت به امور و خبرگی می‌باشد. در اصطلاح کارشناسی «تحقیقی است که دادگاه، به منظور تمییز حق یا تمهید مقدمات آن، بر عهده شخص صلاحیت‌داری به نام کارشناس می‌نهد و از او می‌خواهد که اطلاعات فنی و حرفه‌ای را که در دسترس دادگاه نیست، در اختیار دادرس قرار دهد یا اعتقاد و استنباط خود را از قراین فنی و علمی بیان کند.» (کاتوزیان، ۱۳۸۲، صص ۳۱۸-۳۱۷).

در فقه با وجود اینکه در موارد پراکنده و مکرر به نظر اهل خبره استناد شده و از آن سخن به میان آمده است فقها توجه کمتری به ارائه یک تعریف جامع از آن کرده‌اند بیشتر به بیان شرایط و اعتبار آن پرداخته‌اند. بنابراین با توجه به تعاریفی که از کارشناس و اهل خبره ارائه شده و با در نظر گرفتن این مطلب «نظرکارشناسی» را می‌توان رجوع به اهل خبره برای تشخیص امور فنی و تخصصی جهت اثبات دعوی دانست در تعریف کارشناسی عبارت است از «رجوع به شخص یا اشخاصی که به سبب ممارست و مهارت و تجربه در موضوع یا موضوعاتی از امور فنی و تخصصی، صاحب نظر هستند و کسب نظر از آنها برای تشخیص موضوعاتی که شناخت آنها نیاز به تخصص بوده است

### تعریف حجیت و اماره در فقه اسلامی

#### الف. حجیت:

حجیت عبارت از حجت بودن است و «حجت» در لغت به معانی نمودار، دلیل، بینه، و آنچه بدان دعوی ثابت شود آمده است: مادل علی صحه الدعوی، و قیل الحججه و الدلیل واحد (دهخدا، ۱۳۳۰، ص ۳۸۴).

حجت و حجیت یک اصطلاح اصولی است. در اصول، بحث از حجیت ادله فقه و احکام الهی (کتاب، سنت، عقل، اجماع، قیاس) موضوع اصلی و محوری اصول فقه را تشکیل می‌دهد. در یک تعریف کاربردی از آن، گفته شده است: حجت همان چیزی است که به آن احتجاج شود؛ از یک طرف، یعنی از جانب شارع مقدس، منجزیت را به دنبال دارد و موجب عقاب در صورت مخالفت می‌گردد و از جانب دیگر، یعنی مکلف، حجت معذر از عقاب در صورت خطا و عدم دستیابی به واقع است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۶، ص ۲۳۰). در کل، می‌توان گفت حجت اصولی است که از هر چیزی متعلق خود را اثبات می‌کند و به درجه قطع و یقین نمی‌رسد با این تعریف حجت اصولی شامل قطع و اصول عملیه نمی‌شود بلکه بر امارات ظنیه گفته می‌شود و با کلمه اماره مترادف است همانطور که کلمه دلیل یا طریق هم در همین معنا بکار می‌رود (فیض، ۱۳۸۷، ص ۲۰۶).

#### ب. اماره

اماره، یکی از ادله اثبات دعوا بوده و معنی اماره در حقوق، عبارت است از اوضاع و احوالی که دلیل بر امری شناخته می‌شود. اماره قانونی، از انواع اماره است که به حکم قانون، دلیل بر امری شناخته شود و اماره قضایی، از انواع های دلیل و اماره است.

معنای حقیقی اماره، هر چیزی است که شارع آن را اعتبار نموده بخاطر اینکه سببی برای ظن باشد یعنی اینکه اماره، به عنوان طریقت حجت است و اما مهم‌ترین دلیل حجیت (اماره) بنای عقلاء است و عقلاء به جهت کاشفیت اماره از واقع و به امید اینکه با اماره به واقع، برسند آن را حجت دانسته و بر طبق آن عمل می‌کنند (مظفر، ۱۳۷۴، ص ۴۰).

از نظر مرحوم آخوند ظن ذاتاً حجت نیست لکن قابلیت حجیت دارد چرا که ناظر به واقع است و احتمالی راجح است تا جایی که قابلیت دارد که شارع به آن به جای قطع حجیت بدهد و لذا در مورد ظنون باید اثبات شود که شارع فلان ظن را حجت دانسته است ایشان، قول لغوی را از باب ظنون خاصه می‌داند و حجیت آن را به مشهور نسبت داده است (خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۲۸۶).

در ماده ۱۳۲۱ قانون مدنی، در تعریف اینکه اماره چیست و معنی اماره در حقوق چه می‌باشد، مقرر می‌دارد. «اماره، عبارت از اوضاع و احوالی است که به حکم قانون یا در نظر قاضی، دلیل بر امری شناخته می‌شود». بنابراین، گاهی در خصوص اثبات یک موضوع، اوضاع و احوالی مبنا قرار می‌گیرند که یا به حکم قانون، دلیل بر اثبات ادعا هستند و یا در نظر قاضی، چنین امری را ایجاب می‌کنند که به آن، اماره می‌گویند.

### رویه دادگاه‌ها در کارشناسان رسمی یا غیر رسمی در دعاوی

معمول دادگاه‌ها، به این صورت می‌باشد که در هر زمینه‌ای، قضات از نظرات کارشناسان رسمی دادگستری استفاده می‌نمایند اما اگر در یک منطقه‌ای در ارتباط با یک موضوع خاص، کارشناس رسمی دادگستری وجود نداشته یا دسترسی به آنان مقدور نباشد، قضات از کارشناسان غیر رسمی استفاده می‌نمایند. لازم به ذکر است که دادگاه‌ها هیچ گونه الزامی به ارجاع کلیه دعاوی به کارشناسی ندارند چرا که گاهی اوقات در یک پرونده، قاضی دادگاه می‌تواند بر اساس اسناد و مدارک ارائه گردیده و با توجه به جمیع ادله طرفین، بدون نیاز به ارجاع امر به کارشناس رسمی دادگستری، رای مقتضی را صادر نماید. هم چنین ممکن است گاهی اوقات نظریاتی که توسط کارشناس ارائه می‌شود، با اوضاع و احوال کارشناسی مطابقت نداشته باشد، در این صورت دادگاه به نظر کارشناس ترتیب اثر نمی‌دهد. چرا که اصولاً تشخیص صحت نظریات کارشناس، با قاضی رسیدگی کننده به دعوا می‌باشد بنابراین اگر قاضی اطمینانی به صحت نظرات کارشناس نداشته باشد، مکلف به تبعیت و استفاده از آن نظر نمی‌باشد.

امروزه با توجه به گستردگی حجم دعاوی مطرح گردیده در دادگستری، قضات در پرونده‌هایی که نیازمند اطلاعات کافی در یک زمینه تخصصی می‌باشد، می‌بایست جهت رسیدگی منطبق با واقعیت موضوع دعوا، پرونده را به کارشناس رسمی دادگستری ارجاع نموده تا بتوانند تصمیم مقتضی را اتخاذ نمایند. هم چنین نقش کارشناسان نسبت به سرنوشت افراد در دستگاه قضایی نسبت به سابق بسیار گسترده‌تر شده است لذا لازم است که از ورود افراد ناباب به این حرفه جلوگیری شود تا از بروز هر گونه جرم و امور خلاف اجتناب شود.

### ابعاد اعمال قواعد فقهی اسلامی در دادرسی اداری

بر پایه موازین حاکم بر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، در مرحله وضع قانون، هیچ قانونی نباید مغایر با موازین اسلامی باشد و پس از وضع قانون نیز چنانچه در حوزهای با خلأ قانونی مواجه شویم، در آن صورت قاضی موظف است برای یافتن حکم مقتضی به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر مراجعه کند و حکم قضیه را صادر نماید (اکبری، ۱۳۹۴، ص ۱۱۲).

### جایگاه قواعد فقهی در دادرسی اداری

بر اساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی، دادرسی ابتدا باید کوشش کند تا حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر چنین حکمی را نیابد، باید با استناد به منابع معتبر اسلامی و یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید. بنابراین، دادرسی در مقام رسیدگی به دعاوی مدنی و کیفری، ابتدا باید به قوانین موجود مراجعه کند و حکم قضیه را از موازین قانونی استخراج نماید. با این حال، در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، قواعد شرعی فراتر از قوانین موضوعه و به عنوان هنجار برتر شناخته می‌شوند و بر کلیه قواعد حقوقی اعم از مدنی،



کیفری و اداری حاکم هستند در عین حال، باید توجه داشت که با گسترش مفهوم حاکمیت قانون، در حال حاضر بسیاری از اصول و موازین شرعی در قامت قوانین موضوعه تجلی یافته‌اند (پروین و ابریشمی‌راد، ۱۳۹۷، ص ۱۲۳).

به علاوه، حفظ نظم عمومی و تأمین منافع جامعه اقتضاء می‌کند که اقدامات اشخاص حقیقی و حقوقی در چارچوب قواعد بالا صورت بگیرد؛ زیرا در جوامع مذهبی؛ حقوق، خواه ناخواه تحت تأثیر آموزه‌های دینی و مذهبی قرار دارد و بر همین اساس، برخی حقوقدانان معتقدند که حتی ریشه برخی از اصول کلی حقوق اداری را نیز می‌توان در آموزه‌های مذهبی و دینی جستجو نمود. از این رو، در عین آنکه در اغلب نظام‌های حقوقی، مراجعه به روح قانون و عرف و عادات جامعه در موارد سکوت قانون از اصول بنیادین حاکم بر تصمیم‌گیری‌های قضایی است؛ ولی در نظام حقوقی ایران، علاوه بر موارد فوق، بر مبنای ماده ۳ ق.آ.د.م مصوب ۱۳۹۷، استناد به منابع فقهی و فتاوی معتبر اسلامی نیز در کنار امکان استناد به اصول حقوقی، مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته و این امر مبین جایگاه مهم قواعد فقهی در نظام قضایی کشورمان است (هداوند و مشهدی، ۱۳۸۹، ص ۵۵).

### سازو کار استناد به قواعد فقهی در دادرسی اداری

بر اساس اصل ۹۴ قانون اساسی، مصوبات مجلس شورای اسلامی برای بررسی عدم مغایرت آنها با موازین شرعی و قانون اساسی، باید به شورای نگهبان ارسال شوند. این در حالی است که نظارت شرعی بر تصمیمات عام‌الشمول و یا تصمیمات و اقدامات موردی مقامات اداری، مستلزم اعمال نظارت پیشینی شورای نگهبان بر تصمیمات و اقدامات فوق نیست و صرفاً در مواردی که پس از استعلام دیوان عدالت اداری، شورای نگهبان به اظهار نظر در خصوص جنبه شرعی تصمیمات عام‌الشمول اداری بپردازد، می‌توان به اعمال نظارت فوق مبادرت نمود. با این وجود، این امر به معنای نفی لزوم نظارت مستمر شرعی بر اعمال و تصمیمات اداری نیست؛ زیرا دیوان عدالت اداری به عنوان مرجع اصلی رسیدگی به شکایات و تظلمات افراد نسبت به اعمال و تصمیمات مقامات اداری، بخشی از قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران است و با توجه به این موضوع، هرچند قانون‌گذاری در خصوص اعمال نظارت شرعی دادرسان دیوان نسبت به اعمال و تصمیمات موردی مقامات اداری می‌تواند به ایجاد یک بستر و چارچوب قانونی منتهی شود؛ ولی با توجه به ظرفیت‌های حاصل از اصل ۱۶۷ قانون اساسی، فقدان این بستر و چارچوب قانونی نیز مبنا و مستندی برای نفی کلی امکان استناد به قواعد فقهی در دادرسی اداری نخواهد بود. کلیه هنجارهای حقوقی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، باید در چارچوب ارزش‌ها و بایدهای دین اسلام قرار گیرد؛ بدین ترتیب، با توجه به اینکه صلاحیت ذاتی دیوان عدالت اداری برای رسیدگی به شکایات مطرح شده از اعمال و تصمیمات اداری بر مبنای اصل ۱۷۳ قانون اساسی به رسمیت شناخته شده و در ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نیز به اعمال صلاحیت فوق توسط شعب دیوان تصریح شده است و با عنایت به اینکه قضات دیوان نیز مشمول حکم مقرر در اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی هستند؛ از این رو، هیچ محدودیتی در استناد به قواعد شرعی و فقهی ندارند. نظارت مزبور از یک سو، پس از لازم‌الاجرا شدن تصمیم اداری صورت می‌پذیرد و از سوی دیگر، مبتنی بر اعتراض موردی است (واعظی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۸).

### جایگاه کارشناسی از دیدگاه فقه و حقوق موضوعه

کارشناسی در حقوق موضوعه به دلیل شناخت و مشخص شدن جایگاه کارشناس به بررسی برخی مسائل همچون میزان اعتبار نظر کارشناسی، میزان تأثیر نظر کارشناسی، اختیار قضات در ارزیابی نظر کارشناس و کارشناسی را به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی در حقوق موضوعه می‌پردازد. اعتبار نظریه کارشناسی در خصوص حجت بودن نظریه کارشناسی برای قاضی، دیدگاه‌ها متفاوت بوده و در قوانین کشور ما هم این موضوع تقریباً مسکوت مانده است. دیدگاه اکثریت و مشهور این است که قاضی با استناد به ماده ۲۶۵ ق.آ.د.م. در قبول یا رد نظریه کارشناسی مخیر خواهد بود، ولی دیدگاه اقلیت، قاضی را مخیر نمی‌داند، چون معتقدند مخیر بودن قاضی در قبول یا رد نظریه کارشناس متخصص چیزی جز طواری دادرسی در دادگاه‌ها نخواهد داشت. قانونگذار برای کارشناسی و

نظر کارشناس شرایطی از جمله مورد وثوق بودن کارشناس، داشتن صلاحیت علمی و فنی لازم در خصوص موضوع ارجاع شده (ماده ۲۵۸ ق.آ.د.م)، صریح و موجه بودن وعدم مخالفت نظر کارشناس با اوضاع و احوال را مقرر کرده که حصول این دلیل بر معتبر بودن نظر کارشناس است.

در مورد چگونگی اعتبار نظر کارشناسی حکمی که نظیر حکمی که در قوانین کشورهای عربی آمده و به صراحت اعلام کرده است که نظر کارشناس، قاضی را ملزم نمی‌کند در قوانین کشور ما نیامده است. با وجود این، در قانون آیین دادرسی مدنی در ماده ۲۶۵ اعلام شده است: «در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد، دادگاه به آن ترتیب اثر نخواهد داد». با وجود این، می‌توان گفت ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی دلالتی بر مکلف بودن قاضی به ترتیب اثر دادن به نظر کارشناسی، در غیر از موارد عدم مطابقت آن با اوضاع و احوال محقق ندارد؛ همچنین طبق نظریه شماره ۷/۹۳۲-۳/۱۶/۱۳۷۸ اداره حقوقی قوه قضائیه: نظر کارشناس یکی از ادله اثبات دعوی است مگر این که قاضی تشخیص دهد منطبق با واقع نیست زیرا منطوق ماده یاد شده، قاضی را ملزوم کرده که در صورت تشخیص عدم مطابقت نظر با اوضاع محقق، از ترتیب اثر دادن به آن خودداری کند. این ماده دلالت بر این مفهوم ندارد که در غیر از موارد عدم مطابقت نظر با اوضاع محقق، قاضی ملزم به ترتیب اثر دادن به نظر کارشناس باشد. به عبارت دیگر، ماده ذکر شده، دلالت بر این ندارد که مورد ترتیب اثر ندادن به نظر کارشناس منحصر به عدم مطابقت آن با اوضاع محقق است. دلیل این مطلب آن است که در ماده ۲۶۲ همان قانون، صریح و موجه بودن نظر کارشناس، به صراحت شرط شده است و بدیهی است که قاضی نمی‌تواند به نظر مبهم و مجمل و ناموجه کارشناس ترتیب اثر دهد. همچنین به موجب ذیل همان ماده در صورتی که نظر کارشناس تا قبل از انتخاب یا اخطار به کارشناس دیگر واصل نشود، دادگاه به آن ترتیب اثر نمی‌دهد (خلعتبری، ۱۳۲۹، ص ۱۴).

همچنین به موجب ماده ۸۷ و ۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری در صورت تعارض نظر اهل خبره یا مشکوک بودن آن، قاضی می‌تواند به آن ترتیب اثر ندهد و از خبرگان دیگری دعوت نماید. علاوه بر این، در صورت ناقص بودن نظر کارشناس یا عدم رعایت حدود و خارج بودن آن از موضوع ارجاع شده، قاضی نمی‌تواند به آن ترتیب اثر دهد. پس در تعیین میزان اعتبار نظر کارشناس، لازم است که شرایط دیگر از قبیل صریح و موجه بودن، مطابق بودن با موضوع کارشناسی، کتبی بودن، رعایت مهلت و مشکوک و متعارض نبودن در آن رعایت شود و قاضی با بررسی کارشناسی از جهت وجود شرایط (در صورت احراز بودن شرایط) به آن ترتیب اثر می‌دهد. کارشناسی به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی در حقوق موضوعه، کارشناسی به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی به رسمیت شناخته شده است در حقوق کشور ما، در قانون آیین دادرسی مدنی، یکی از ادله اثبات دعوی شناخته شده و احکام آن در قانون یاد شده و قوانین مربوط به کارشناسی و سایر قوانین بیان شده است. با وجود این در کتاب سوم قانون مدنی نامی از کارشناس برده نشده است (بازگیر، ۱۳۸۳، ص ۶۶).

### مبانی اعتبار قول لغوی در سیره یا بناء عقلا

وجود سیره گسترده مردم خردمند بر مراجعه به اهل دانش و فن در همه جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی و در همه علوم و فنون قابل انکار نیست چنین روشی مبتنی بر اعتماد و اطمینانی است که از کارشناس و متخصص بودن فرد صاحب تخصص برای عموم مردم ایجاد می‌شود و مردم تا زمانی که ادله و شواهدی بر خلاف نظر کارشناس وجود نداشته باشد را می‌پذیرند و به آن ترتیب اثر می‌دهند چون سیره عقلا از ادله معتبر فقهی است و اعتبار آن در متون فقهی و اصولی مورد تأیید و تأکید واقع شده اعتبار فقه در این دیدگاه نیز بناء عقلا و قوانین و مقررات عقلایی، دارای اصالت و اعتبار است مگر آن که با اصول و ضوابط و اهداف و مقاصد اساسی «شریعت» و مبانی آن تعارضی داشته باشد (حسن زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۴۷).

## نقش کارشناسان رسمی در اطلاع دادرسی

کارشناسان نقشی اساسی و مهم در جهت کاهش اطلاع دادرسی که یکی از دغدغه‌های مهم قوه قضائیه است، دارند که این موضوع باید مورد بررسی قرار گیرد زیرا یکی از مشکلات تأخیر در ارائه نظریات کارشناسی است. یکی از مشکلات اساسی در حوزه کارشناسی، هزینه‌های کارشناسی است چرا که در بسیاری از پرونده‌ها تناسبی میان موضوع پرونده و هزینه کارشناسی وجود ندارد. هزینه ارجاعات کارشناسی قابل قبول نبوده و دستورالعملی در این خصوص صادر نگردیده است. نحوه ارجاع، هزینه‌ها و تکریم کارشناسان از دغدغه‌ها و اولویت‌های دستگاه قضائی در استان است که برای تمامی این موارد راه حل وجود ندارد لذا می‌بایست رویه‌ای واحد تدوین گردد و با تعامل متقابل دغدغه‌ها را کاهش یابد. لازم به ذکر است که برخی دغدغه‌ها عدالت را خدشه دار می‌کند و موجب تضییع حقوق مردم و دولت می‌شود که در حوزه کارشناسی از باب نظارت بر حقوق عمومی، پیشگیری از وقوع جرم ورود پیدا کرده تا با نگاه پیشگیرانه بتوان مسائل را حل و فصل نمود. بر اساس قانون احقاق حق، تحقق عدالت و اجرای صحیح قانون است، نباید تحت هیچ شرایطی از مدار قانون خارج شود و هر شخصی که در پرونده‌های قضائی دخیل است از مسیر قانون خارج شد باید منتظر برخورد قاطع نیز باشد (حسن زاده، ۱۳۸۳، صص ۱۵۱ - ۱۷۱).

دغدغه‌هایی قوه قضائیه نسبت به برخی کارشناسی‌ها و همچنین مسائلی از سوی کارشناسان رسمی دادگستری نسبت به برخی تصمیمات قضائی وجود دارد که می‌توان تمامی مشکلات این حوزه را که با تعامل و همفکری قابل حل، بر طرف نمود و به نتایج مطلوبی در راستای اجرای قانون و تحقق عدالت دست یافت. گرچه نظریات کارشناسی برای قضات الزام آور نیست اما منشأ علم قاضی است و نظریات آنها در تصمیمات قضائی بسیار تأثیرگذار است به همین خاطر کارشناسان رسمی دادگستری در جهت تحقق عدالت نقشی بسیار حساس و اساسی دارند که نباید از آن غافل شد. باید اذعان داشت کارشناسان معتمد دستگاه قضائی هستند و به همین خاطر در ارائه نظریات خود باید دقیق، فنی و به موقع عمل کنند و از هیچ کس هراسی نداشته باشند (دلآوری، ۱۳۹۰، صص ۵۶). با توجه به نکات فوق، اموری که می‌تواند در صلاحیت واحد بررسی در دیوان عدالت اداری قرار داده شود، عبارتند از:

- صدور قرار رد دادخواست توسط مدیر واحد بررسی و رسیدگی به اعتراض به این قرار (موضوع ماده ۲۸)
- اعلام موارد ابهام موضوع شکایت و خواسته به شاکی و صدور قرار ابطال دادخواست در صورت عدم رفع ابهام (موضوع ماده ۳۳)
- صدور قرار عدم صلاحیت (موضوع ماده ۴۸)
- صدور قرار رد شکایت (موضوع ماده ۵۳)
- صدور احکام موضوع تبصره ماده ۲۹ (ناظر به ماده ۹۰)
- انجام تحقیقات و اقدامات لازم (موضوع ماده ۴۱) از جمله مطالبه تصویر مصدق اسناد (موضوع تبصره ۲ ماده ۱۹)

### شرایط اعتبار نظر اهل خبره در فقه امامیه

پیرامون شرایط رجوع به اهل خبره و اعتبار دیدگاه کارشناسی ایشان، گزاره‌های متعددی (که در برخی موارد متضاد به نظر می‌رسند) توسط فقهای شیعه معرفی و با تضارب آرا رو به رو شده است؛ گزاره‌هایی مانند تعدد و عدالت؛ کفایت حصول اطمینان و وثوق نفس؛ حصول ظن؛ عدم علم به خطای کارشناس؛ اشتراط استنباط و استنتاج از مقدمات حدسیه؛ اعلییت و افضلیت؛ و حیات کارشناس بدون تردید، میزان توجه و عنایت به سیره عقلا به عنوان دلیل حجیت نظر اهل خبره و مناطات آن یا غفلت از دلیل و مناط، در ارائه این شرایط تأثیری فراوان داشته است که در ذیل بر اساس دلیل و مناط حجیت نظر اهل خبره، به واکاوی شرایط مطرح شده پرداخته می‌شود (حسینی، ۱۳۸۰، صص ۱۴۷).

گسترده‌گی تأثیر نظریه کارشناسی در ابواب گوناگون فقهی و حقوقی، مستلزم شناخت ملاک و شرایط اعتبار نظر اهل خبره است. به عنوان مثال در مقام قضا و دفع خصومات به دلیل روایت معتبری از پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «انما افضی بینکم بالبینات و الایمان» به تحقیق به بینه احتیاج داریم و مجرد حصول اطمینان کفایت نمی‌کند. این گونه است که رجوع به اهل خبره که تعدد و عدالت در آن اعتبار شده، از باب تصرف شارع در آن بوده و نوعی شهادت، قلمداد شده است (فیروز آبادی حسینی، ۱۴۰۰، ج ۳، ص ۱۴۰).

بررسی و نقد مناسبات مطرح شده برای بنا و سیره عقلاییه در رجوع به اهل خبره کشف می‌شود، نشان دهنده صحت تحصیل وثوق و اطمینان نفس به قول اهل خبره و الغای احتمال خلاف است. اشتباه کارشناسان در مسائل نظری و فنی، بسیار به ندرت اتفاق می‌افتد، به حیثی که عقلاً به این اندازه از احتمال «خلاف وثوق» و موجب «علم عرفی» و اشتباه اعتنا نمی‌کنند؛ یعنی نظریه کارشناسی ایشان، سبب می‌شود. خبرویت محضه و مناطاتی مانند «حکم عقل، الغای خصوصیت» و اطمینان نفس مشترک میان خبیر و غیر خبیر و قانون‌های موضوعه بشری در موارد بسیاری با خدشه رو به رو شده‌اند و به عنوان ملاک اصلی سیره عقلاً در رجوع به اهل خبره مطرح نمی‌شوند (میرزایی، ۱۳۹۲، ص ۸۷).

بر این اساس، مناط تحصیل وثوق و اطمینان نفس، شرط اصلی و محوری اعتبار نظر اهل خبره خواهد بود. شرایط مطرح شده برای اعتبار دیدگاه کارشناسی اهل خبره نیز، اغلب به دلیل غفلت از مناط و ملاک سیره عقلاً به عنوان دلیل حجیت قول اهل خبره که قطعاً تحصیل وثوق و اطمینان نفس از نظریه کارشناسی است (تبریزی، ۱۳۶۹، ص ۶۱).

#### ظرفیت نظام حقوقی اسلامی ایران در تحقق عدالت اداری یا نظر کارشناسان رسمی

در مواد ۱۹ و ۹۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، در موارد ادعای اشتباه یا مغایرت با قانون یا موازین شرع یا تعارض آرا با یکدیگر، امکان طرح آرای قبلی هیأت عمومی برای رسیدگی مجدد در هیأت عمومی پیش‌بینی شده است. اعمال ماده ۱۹، مستلزم اعلام اشتباه از سوی رئیس قوه قضاییه یا رئیس دیوان یا تقاضای کتبی و مستدل بیست نفر از قضات دیوان بوده و اعمال ماده ۹۴ به نظر رئیس قوه قضاییه موکول شده است؛ که ارجاع امر اخیر توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام، بر خلاف مفاد اصل ۴ قانون اساسی به رئیس قوه قضاییه مفید این مطلب به نظر می‌رسد که این آرا، در عداد قوانین و مقررات موضوع اصل مذکور قرار نمی‌گیرند.

همچنین با توجه به منطوق صدر ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، موارد درخواست اعمال ماده ۹۱ قبل از طرح در هیأت عمومی به منظور بررسی و تنظیم گزارش کارشناسی به هیأت تخصصی ذیربط ارجاع می‌شوند که البته با وجود سکوت ماده ۹۴ و آیین‌نامه‌ی اداره جلسات هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی به نظر می‌رسد حکم مذکور قابل تسری به نظر تشخیصی رئیس قوه قضاییه موضوع ماده ۹۴ قانون دیوان نیز است؛ چراکه لازمه‌ی تجدید نظر، وجود دلایل لازم به منظور اقناع برای عدول از رأی قبلی است. البته با توجه به تعبیری که شورای نگهبان از عبارت «خلاف موازین شرع» داشته، به نظر می‌رسد که رئیس قوه قضاییه باید رأی هیأت عمومی دیوان را ناسازگار با احکام اولیه شرع یا احکام ثانویه تشخیص دهد (باختر، ۱۳۹۱، ص ۸۱).

نکته شایان توجه دیگر در مورد ماده ۹۱ اینکه علاوه بر ادعای اشتباه که می‌تواند شامل مواردی باشد که هیأت عمومی، صلاحیت یا شرایط شکلی را رعایت نکرده، مغایرت آرای صادره با قوانین حاکم در زمان صدور رأی و تعارض آرای هیأت عمومی با یکدیگر، اعم از اینکه یکدیگر را نقض کنند یا اینکه متضاد یکدیگر باشند، از دیگر جهاتی هستند که می‌توانند موجب رسیدگی مجدد هیأت عمومی به آرای قبلی خود باشند. در مواردی که هیأت عمومی آرای قبلی خود را مجدداً رسیدگی می‌کند، رأی قبلی خود را می‌تواند با لحاظ دلایل ابرازی و مبانی حقوقی مطرح شده نقض و رأی جدیدی را جایگزین آن کند که در چنین مواردی با توجه به رویه قضایی دیوان ممکن است حالات خاصی نیز مترتب بر صدور رأی جدید عارض شود (دباغی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۵).

## نتیجه گیری

نتایج تحقیق نشان می‌دهد، قاضی دیوان می‌تواند برای مواردی از قبیل فهم قانون، دریافت حکم قانون‌گذار، تفسیر مواد قانونی و تطبیق موردی خاص با حکم کلی قانون، از نظر کارشناس استفاده نماید؛ زیرا در دیوان عدالت اداری کارشناس کسی است که مطلع و صاحب نظر بوده و به عنوان مشاور نظر مشورتی ارائه می‌کند و استفاده از نظر مشورتی او می‌تواند در تکمیل پرونده مؤثر واقع شود. مراجعه به کارشناس در دیوان علاوه بر مسائل موضوعی می‌تواند مسائل حکمی را نیز شامل شود. استفاده از نظر کارشناس در دیوان عدالت اداری اختیاری بوده و قاضی دیوان تکلیفی به بهره‌مندی از نظر کارشناس ندارد. ذات وظایف دیوان ایجاب می‌نماید قضات علاوه بر داشتن دانش حقوقی، با اداره و مقتضیات اداری به طور کامل آشنا بوده و نیازی به بهره‌مندی از نظر کارشناس که عنوان مشاور را دارد، نداشته باشد و خود به عنوان کارشناس به طور ماهوی در موضوع اظهار نظر نمایند.

کارشناس در دیوان عدالت اداری عنوان شخص حقیقی را داشته نظر او نمی‌تواند به عنوان نظر دیوان عدالت اداری که شخصیتی حقوقی است، تلقی شود. مسئولیت نظر کارشناس در دیوان عدالت اداری متوجه شخص خود اوست.

در دیوان عدالت اداری شعبه نقشی در انتخاب کارشناسان و در صورت تعدد، انتخاب آنان به قید قرعه ندارد و این مقام ارجاع است که درخواست شعبه را براساس موضوع به مشاور یا مشاوران ارجاع می‌نماید. اما در ماده ۹ قانون دیوان عدالت اداری مدت اظهار نظر مشاور یا مشاوران معین نشده و در صورت تعیین مدت از سوی درخواست‌کننده کارشناسی، کارشناس به واسطه عدم ذکر مدت در قانون تکلیفی به اظهار نظر در مدت تعیین شده ندارد و این یک نارسایی و خلأ قانونی است که موجب می‌شود پرونده برای مدت زمان نامعلومی بلا تکلیف بماند. در صورتی که نظر کارشناس یا مشاور کامل و وافی به مقصود کارشناسی نباشد و شعبه نظر کارشناس را ناقص تشخیص دهد، دادرس شعبه نمی‌تواند به مشاور یا مشاوران اخطار دهد که برای ادای توضیح در شعبه حاضر شوند؛ زیرا شعبه ملزم است پس از ملاحظه نظر کارشناس مبادرت به صدور رأی نماید؛ هر چند نظر مشاور یا کارشناس مخالف استنباط قضایی او یا مخالف موضوع مربوط به امر کارشناسی باشد. هر چند به نظر می‌رسد کارشناس یا مشاور دیوان مکلف به قبول کارشناسی و ارائه مشاوره به شعبه می‌باشد؛ اما اگر از قبول کارشناسی خودداری نماید، در ماده ۹ قانون دیوان ضمانت اجرایی برای آن در نظر گرفته نشده و به لحاظ خروج کارشناس دیوان از موضوع تبصره ۲ ماده ۱۸ قانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۸۱ نمی‌توان او را متخلف دانسته و به مجازات انتظامی موضوع قانون مذکور محکوم نمود.

از آنجا که نظر کارشناس می‌تواند بر اصل یا میزان حقوق طرفین دعوا اثرگذار باشد، اصحاب دعوا باید بتوانند به نظر وی اعتراض کنند؛ اما در ماده ۹ قانون دیوان عدالت اداری قابل اعتراض بودن نظر کارشناس پیش‌بینی نشده است؛ در صورتی که مصون بودن نظر کارشناس از اعتراض موجب تضییع حق می‌شود و این امر با موازین عدالت سازگاری نداشته و به فصل خصومت و قطع دعوا منجر نخواهد شد. چنانچه شعبه با ملاحظه نظر کارشناس یا کارشناسان دیوان به حصول قناعت وجدانی در کشف حقیقت نرسد، می‌تواند با اجازه حاصل از ماده ۲۴ قانون دیوان عدالت اداری، هرگونه تحقیق یا اقدامی را که لازم بداند، انجام دهد. روشن است که در برخی دعاوی، دادرس امور موضوعی را با مشاهده و بررسی شخصی و مستقیم خود بهتر و دقیق‌تر درک می‌نماید تا از طریق آگاهی‌ها و توضیحاتی که دیگران در اختیار او قرار می‌دهند، اقدام به صدور حکم نماید. از سوی دیگر در برخی دعاوی نیز برای تشخیص درستی یا نادرستی ادعا لازم است شعبه از وضعیت عینی و ملموس موضوع آن آگاهی داشته و آن را لحاظ نماید. بدین منظور قانون‌گذار مفهوم وسیع تحقیق و اقدام را در نظر گرفته تا دادرس دیوان را در کشف حقیقت و نشان دادن ذی‌حق بر کرسی حق یاری نماید.

## فهرست منابع

## منابع فارسی:

- اکبری، علی. (۱۳۹۴). جایگاه فقه در حقوق، تهران: انتشارات آرون.
- باختر، سید احمد، (۱۳۹۱)، مجموعه کامل قوانین و مقررات کارشناسان رسمی دادگستری، چاپ دوم، اصفهان: نشر چهارباغ.
- بازیگر، یدالله. (۱۳۸۳)، رسیدگی به دلایل و احکام راجع به آن، چاپ اول، انتشارات فردوسی.
- پروین، خیرالله و؛ ابریشمی راد، محمد امین. (۱۳۹۷)، سازوکار مطلوب نظارت فقهای شورای نگهبان بر مقررات دولتی از بستر دیوان عدالت اداری، فصلنامه دانش حقوق عمومی، شماره ۲، ص ۱۲۳.
- تبریزی، غلامحسین. (۱۳۶۹)، اصول مذهب المقارن، مشهد: انتشارات طوس.
- جعفری لنگرودی، محمد باقر، (۱۳۷۸)، دانشنامه حقوقی، ج ۱ و ۲، چاپ ششم، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
- جعفری لنگرودی، محمد باقر، (۱۳۹۷)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چاپ هجدهم، جلد پنجم، تهران: نشر گنج دانش.
- حسن زاده، مهدی، (۱۳۸۳)، اعتبار نظر کارشناس، اندیشه‌های حقوقی، نشر پردیس، قم، سال دوم، شماره ۷، صفحات ۱۵۱ - ۱۷۱.
- حسن زاده، مهدی، (۱۳۸۸)، رابطه کارشناسی و شهادت در فقه و حقوق، فصلنامه فقه و حقوق، شماره ۴، ص ۱۴۱.
- حسینی، سید یوسف، (۱۳۸۰)، حجیت نظر کارشناس، نشریه حقوق، حقوقی دادگستری، شماره ۳۵، ص ۱۴۷.
- خراسانی، محمد کاظم (۱۴۰۹)، کفایة الاصول، الطبعة الاولى، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث.
- خلعتبری، ارسلان، (۱۳۲۹)، کارشناس، مجله کانون وکالا، شماره ۱۸، صفحات ۱۴ - ۱۸.
- دباغی، نرگس (۱۳۹۱)، کارشناسی به عنوان دلیل اثبات دعوا، چاپ اول، انتشارات جاودانه جنگل.
- دلآوری، محمد رضا، (۱۳۹۰)، محدودیت های حاکم بر رسیدگی های دیوان عدالت اداری، نشر بی جا، تهران.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۳۰)، لغت نامه دهخدا، جلد دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- رفیعی طباطبایی، سید حسام الدین، (۱۳۹۸)، بررسی اقدامات قوه قضائیه در راستای اصلاح فرآیندهای رسیدگی و تاثیر ایشان بر کاهش اطاله دادرسی، دومین کنفرانس بین المللی پژوهش های دینی، علوم فقه و حقوق در ایران و جهان، ص ۲۵.
- روناک، م اسمیت، (۱۳۸۸)، قواعد حقوق بین المللی بشر، ترجمه فاطمه کیهانلو، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ص ۳۰۵.
- فیض، علیرضا. (۱۳۸۷)، مبانی فقه و اصول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷
- قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۲)، کارشناسی؛ علم و تجربه در خدمت عدالت، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۴۲، ص ۳۱۸.
- مردانی، نادر؛ بهشتی، محمد جواد، (۱۳۸۰)، آیین دادرسی مدنی، تهران: نشر دادگستر.
- معین، محمد، (۱۳۶۴)، فرهنگ فارسی، جلد سوم، چاپ نهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۷۴)، اصول الفقه، قم: چاپ هفتم، مؤسسه اسماعیلیان.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۱۶)، انوار الفقاهه، مطبوعات هدف.
- میرزایی، احمد، (۱۳۹۲)، بررسی فقهی حقوقی حجیت نظر کارشناس، بخش دوم.
- نعمتی، لیلان. (۱۳۹۷)، نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به مثابه یک الگوی متعالی، پژوهش های راهبردی انقلاب اسلامی، قم، نشر موسسه اسماعیلیون، سال اول، شماره ۴، ص ۶۲.

واعظی، سید مجتبی. (۱۳۸۸). نقش دیوان عدالت اداری در دادرسی شرعی مقررات اداری، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره اول، شماره ۳، ص ۱۲۸.

هداوند، مهدی؛ مشهدی، علی. (۱۳۹۸)، اصول حقوق اداری، تهران: انتشارات خرسندی.

همتی، مجتبی، (۱۳۹۵)، تحلیل قانون دیوان عدالت اداری از منظر استانداردهای خاص دادرسی منصفانه اداری؛ با نگاهی به رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر، تهران، انتشارات خرسندی.

یاوری، اسدالله، (۱۳۹۴)، حق برخورداری از دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین، فصلنامه حقوق اساسی، شماره ۲، ص ۲۲۲.

